

Right of Bodily Autonomy and Its Interference with Marital Rights

1. Fateme Abdi: PhD Student, Department of International Law, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran
2. Ebad Rouhi*: Assistant Professor, Department of Law, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran. Email: ibadruhi@gmail.com (Corresponding Author)
3. Faramarz Amjadian: Assistant Professor, Department of Law, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran

ABSTRACT

International law is a system formed on the basis of the will of states, and states are still considered the primary actors of this system. Although various entities and institutions emerged within the international legal system in the twentieth century, they have nonetheless failed to achieve a status comparable to that of states. Therefore, states constitute the main pillar of the international community; they possess full legal capacity, meaning the ability to acquire diverse rights, powers, and obligations. This study was conducted using a descriptive-analytical approach, aiming to examine the role of non-state actors in the development and revision of the rules and regulations of international law. The results demonstrated that, despite the active participation of certain non-state actors in the formation and implementation of international rules, international law has not recognized international legal personality for non-state actors beyond that of subjects of this legal system.

Keywords: *Non-State Actors, International Organizations, Quasi-State Actors, Revision of International Law, Development of International Law*

How to cite: Abdi, F., Rouhi, E., & Amjadian, F. (2025). Right of Bodily Autonomy and Its Interference with Marital Rights. *Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics*, 7(1), 343-355.

© 2025 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 21 November 2024
Revise Date: 12 December 2024
Accept Date: 25 December 2024
Publish Date: 09 April 2025



پژوهش‌های تطبیقی فقه،

حقوق و سیاست

نقش بازیگران غیردولتی در توسعه و بازنگری قواعد حقوق بین‌الملل

۱. فاطمه عبدی: دانشجوی دکتری، گروه حقوق بین‌الملل، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران
۲. عباد روحی: استادیار، گروه حقوق، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران. پست الکترونیک: ibadruhi@gmail.com (نویسنده مسئول)
۳. فرامرز امجدیان: استادیار، گروه حقوق، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

چکیده

حقوق بین‌الملل نظامی است که بر پایه اراده دولت‌ها شکل گرفته و دولت‌ها کماکان بازیگر اصلی این نظام قلمداد می‌شوند. هرچند در قرن بیستم موجودیت‌ها و نهادهای مختلفی در نظام حقوق بین‌الملل سر برآورده‌اند، با این وجود هنوز نتوانسته‌اند به جایگاهی همچون جایگاه دولت دست یابند؛ بنابراین دولت‌ها ستون اصلی جامعه بین‌المللی را تشکیل می‌دهند؛ آن‌ها از اهلیت حقوقی کامل، یعنی توانایی در اختیار گرفتن حقوق، اختیارات و تعهدات گوناگون برخوردارند. این پژوهش به روش رویکردی توصیفی - تحلیلی و با هدف بررسی نقش بازیگران غیردولتی در توسعه و بازنگری قواعد و مقررات حقوق بین‌الملل انجام شد. نتایج نشان داد که حقوق بین‌الملل علی‌رغم مشارکت فعال برخی از بازیگران غیردولتی در شکل‌گیری و اجرای قواعد بین‌المللی، شخصیت حقوقی بین‌المللی در حد تابعان این حقوق را برای بازیگران غیردولتی شناسایی نکرده است.

واژگان کلیدی: بازیگران غیردولتی، سازمان‌های بین‌المللی، بازیگران شبه دولتی، بازنگری در حقوق بین‌الملل، توسعه حقوق بین‌الملل

نحوه استناددهی: عبدی، فاطمه. روحی، عباد. امجدیان، فرامرز. (۱۴۰۴). نقش بازیگران غیردولتی در توسعه و بازنگری قواعد حقوق بین‌الملل. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۳۴۳-۳۵۵، (۱)۷.

© ۱۴۰۴ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۰۱ آذر ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۲۲ آذر ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۰۵ دی ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۲۰ فروردین ۱۴۰۴



تحولات رخ نموده در حقوق بین‌الملل مدرن به ظهور بازیگران جدید در جامعه بین‌المللی انجامیده که هر یک به‌نوعی در عرصه بین‌المللی ایفای نقش می‌کنند. با این وصف، هرچند دولت‌ها همچنان در قامت اولیه و اصلی حقوق بین‌الملل در عرصه‌های مختلف هنجار سازی و تبعیت از قواعد و اصول حقوق بین‌الملل خودنمایی می‌کنند، اما ظهور کنشگران غیردولتی در عرصه بین‌المللی نیز منشأ تحولاتی جدی در سطوح مختلف حقوق بین‌الملل شده است. این تحولات گاه زمینه‌ساز تشتت و ابهام در نقش و جایگاه بازیگران و تعیین قلمرو حقوق و تعهداتشان در صحنه بین‌المللی است (Zamani, 2015). به بیانی دیگر، حکمرانی جهانی نتیجه فرآیند جهانی‌شدن است که به تعبیری حکمرانی بدون حکومت مرکزی واحد و مستقل امور جهانی است. نظامی که قبلاً در روابط کشورها باهم حاکم بود و بر اساس اصول نظام و ستفالیایی عمل می‌کرد اما امروزه به‌واسطه نظام حکمرانی جهانی شرایط کاملاً تغییر کرده است. حکمرانی جهانی سه ویژگی دارد: (۱) افزایش روش‌های تصمیم‌گیری و نهادسازی بین‌المللی در زمینه‌های مختلف فنی و اجرایی؛ (۲) سازوکارهای تحمیل مقررات بین‌المللی؛ (۳) نقش فزاینده «بازیگران غیردولتی»^۱ (Nowrot, 2004). بازیگران غیردولتی طیف وسیعی از تابعان فعال و یا منفعل حقوق بین‌الملل را شامل می‌شوند که در جامعه بین‌المللی امروز در مواردی نقش بیشتری نسبت به دولت‌ها دارند.

به لحاظ تاریخی کنوانسیون‌های مختلفی در رابطه با بازیگران غیردولتی تشکیل شده است. به‌عنوان مثال «کنوانسیون مواد مخدر»^۲ که در سال ۱۹۸۸ تشکیل شد. این کنوانسیون در ماده ۱۲ خود به تشریح اعضا و اجزاء گروه‌های غیردولتی می‌پردازد که در زمینه مواد مخدر فعالیت می‌کنند. از نظر کنوانسیون مذکور تولیدکنندگان، واردکنندگان، صادرکنندگان، عمده‌فروشان و حتی خرده‌فروشان شامل این طیف می‌شوند. علاوه بر این، یک نقش فعال‌تر برای بازیگران غیردولتی را می‌توان در ماده ۱۵ کنوانسیون حمل‌ونقل تجاری به‌خوبی رؤیت کرد (Bogdandy, 2010). بررسی‌های انجام‌شده نشان از آن دارد که بازیگران غیردولتی از دیرباز در روندهای بین‌المللی نقش‌های مختلفی را ایفا کرده‌اند. در همین رابطه جزم انگاری دزدان دریایی، به‌مثابه نخستین کنشگری بازیگران غیردولتی به شمار می‌رود. در همین رابطه «بانکی مون»^۳ دبیر کل وقت سازمان ملل متحد در خصوص گروه‌های غیردولتی چنین اظهار داشته است که: «در جهان جدید باید توجه بیشتری را به گروه‌های غیردولتی معطوف داریم و اینکه ناگزیر به تعامل با چنین گروه‌هایی هستیم» (Júnior et al., 2008).

البته باید توجه داشت که مفهوم بازیگر غیردولتی، طیف وسیعی از سازمان‌های بین‌المللی (دولتی) تا افراد را در برمی‌گیرد. برخی از بازیگران غیردولتی نیز حیات موقتی دارند و در شرایطی خاص، تجلی می‌یابند. در حقیقت، ظهور آن‌ها به پدیداری شرایطی عارضی بازمی‌گردد که ماهیتاً جنبه موقتی دارند. شورشیان در مخاصمات مسلحانه غیردولتی از این دسته‌اند (Zamani & Ziaee, 2011). امروزه شمار سازمان‌های غیردولتی از ۳۷ عدد در سال ۱۹۰۰ به ۴۳۹۵۸ عدد در سال ۲۰۰۴ رسیده‌اند و اینکه تعداد شرکت‌های چندملیتی نیز به بیش از ۵۰۰ هزار رسیده است. بر اساس آمار سال ۲۰۰۸ بیش از ۸۰ هزار مؤسسه فراملی و ۷۹۰۰۰۰ مؤسسه وابسته به آن‌ها وجود دارد (Bonlle, 2009). از سوی دیگر گروه‌های تروریستی که در اقصی نقاط دنیا فعال هستند و شامل شبکه جهانی شبه‌نظامیان آموزش‌دیده می‌شوند، ازجمله موارد دیگری هستند که قابل اشاره می‌باشند. پس از حوادث ۱۱ سپتامبر تا سال ۲۰۰۴ بیش از ۳۳ هزار عامل القاعده با تابعیت ۴۷ کشور در ۹۷

^۱ . Non – State Actors

^۲ . Narcotics Convention

^۳ . Ban Ki Moon

کشور دنیا دستگیر شده‌اند (Júnior et al., 2008). این شرایط حاکی از تحولات پُرشتاب در نظام جهانی و لزوم توجه بیش‌ازپیش به آن‌ها است.

موارد مذکور نشان می‌دهد که امروزه کنشگران غیردولتی سهم قابل‌توجهی از تحولات بین‌المللی را به خود اختصاص داده‌اند که این امر نیازمند توجه بیشتر و ویژه‌تر به بازیگران مورد اشاره است. به بیانی دیگر می‌توان چنین اظهار داشت که در پرتو دگرذیسی‌های ژرفی که حادث شده است کنشگران غیردولتی قادر شده‌اند تا ضمن ایجاد هنجارهای جدید و قاعده گذاری در عرصه حقوق بین‌الملل به جرح و تعدیل قواعد فعلی (صلاحیت‌ها، مسئولیت‌ها و مصونیت‌ها) در مبادرت ورزند. با توجه به اهمیت ویژه‌ای که بازیگران غیردولتی در عرصه سیاست و حقوق بین‌الملل احراز کرده‌اند، نگارنده پژوهش پیش رو کوشیده است تا با رویکردی توصیفی - تحلیلی به این پرسش پاسخ دهد که نقش و جایگاه بازیگران غیردولتی در امر قاعده گذاری و ایجاد هنجارهای جدید در عرصه حقوق بین‌الملل چگونه ارزیابی می‌گردد؟

مفهوم بازیگران غیردولتی

از دهه ۱۹۹۰ میلادی افزایش چشمگیر مشارکت بازیگران غیردولتی در عرصه حاکمیت جهانی رخ داده است (Charnovitz, 1997). در حال حاضر، تأثیر این بازیگران بر تصمیمات دولت‌ها، توسط خط‌مشی‌های داخلی، حفاظت از منابع طبیعی و مذاکرات و معاهدات بین‌المللی در این حوزه به‌خوبی نشان‌دهنده درک این اشخاص حقوقی از مشکلات موجود است (Corell & Betsill, 2001). در همین رابطه چیزی که مهم است به رسمیت شناختن فعالیت‌های این بازیگران در عرصه تصمیم سازی است (Wapner, 1995). به بیانی بهتر، اصطلاح بازیگران غیردولتی با تعریفی ساده بر «هر نهادی که دولت نیست» اطلاق می‌شود. در برخی متون، منظور از بازیگران غیردولتی گروه‌های جامعه مدنی مدافع حقوق بشر و در سایر متون، گروه‌های غیر مدنی است که اقدام به دستیابی سلاح‌های کشتار جمعی و اعمال خشونت‌آمیز می‌کنند. با این توصیف، اصطلاح بازیگران غیردولتی، مصادیق متفاوتی را در زمینه‌های گوناگون در برمی‌گیرد. بازیگران غیردولتی واجد ویژگی‌های خاص خود هستند که هریک از آن‌ها را از بازیگران دولتی متمایز می‌نمایند. حال پرسش این است که ویژگی‌های بازیگران غیردولتی و تمیز آن از وصف دولتی بودن کدام است؟ در مقام پاسخ می‌توان چنین اظهار داشت که دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق در قضیه دادستان علیه «اسلوبودان میلشویچ» تعریف ارائه شده در ماده نخست «کنوانسیون مونته ویدئو»^۱ را یکی از بهترین تعاریف در خصوص دولت قلمداد نمود. داعش با تصرف قلمروهایی موجودیت خود را به‌عنوان دولت اعلان نمود، اما آیا این اعلان مطابق با شرایط تعیین‌شده کنوانسیون مونته ویدئو است؟ (Zamani, 2015). در پژوهش حاضر مراد از بازیگران غیردولتی بازیگران غیردولتی مسلح است.

تاریخچه شکل‌گیری بازیگران غیردولتی

فرایند جهانی‌شدن نه تنها بسیاری از کارکردهای سنتی دولت‌ها را از آن‌ها سلب کرد، بلکه بسیاری از نهادهای مردمی و غیردولتی مانند احزاب سیاسی، نهادهای صنفی، اتحادیه‌ها و سندیکاها را در برخی از جوامع، از حیض انتفاع خارج ساخت. در واقع، در این گونه از جوامع، مردم به این نتیجه رسیده‌اند که خواست‌های آن‌ها از طریق توسل به نهادهای سنتی مزبور تأمین نگردیده و با گسترش دیوان‌سالارهای عظیم نمی‌توانند هدف‌های خویش را تحقق بخشند. بسیاری از صاحب‌نظران، دوران پس از جنگ سرد و تشدید روند جهانی‌شدن را به‌منزله پایان روابط بین‌الملل کلاسیک و ستفالیایی تعبیر می‌کنند. بر این اساس، دیگر نمی‌توان دولت را به‌عنوان یکه‌تاز عرصه سیاسی بین‌الملل تلقی کرد. در نتیجه،

۱. الف) جمعیت دائمی؛ ب) سرزمین معین؛ ج) حکومت؛ و د) حاکمیت

در شرایط کنونی که بر اثر پیشرفت فناوری اطلاعات و ارتباطات، وابستگی متقابل بین دولت‌ها بیش از هر زمان دیگری است، توسعه حقوق بین‌الملل به منظور تنظیم روابط بین بازیگران دولتی و غیردولتی، در ابعاد مختلف، امری کاملاً ضروری به نظر می‌رسد.

اقسام بازیگران غیردولتی

با توجه به تعریفی که از بازیگران غیردولتی ارائه شد، در ادامه انواع بازیگران غیردولتی مورد اشاره واقع شده است:

بازیگران غیردولتی مسلح

از بازیگران یا گروه‌های غیردولتی که به طور خاص در مخاصمات مسلحانه مشارکت دارند، تعاریف مختلفی ارائه شده است. قطعنامه ۱۵۴۰ (۲۰۰۴ میلادی) شورای امنیت، بازیگر غیردولتی را چنین تعریف کرده است: «فرد یا موجودیتی که در انجام فعالیت‌های که در حدود این قطعنامه نمی‌گنجد، به موجب اختیاری قانونی از جانب به دولت عمل نکرده است». جزء (ن) از ماده ۱ (تعاریف) کنوانسیون اتحادیه آفریقا راجع به حمایت و مساعدت از آوارگان داخلی در آفریقا (کنوانسیون کامپالا) مقرر داشته است: بازیگران غیردولتی به معنای فعالان (کنشگران) خصوصی است که مأمور عمومی دولت نیستند، از جمله گروه‌های مسلح دیگری که مستند به جزء (د) ماده ۱ مذکور هستند و آن‌ها که اعمالشان رسماً به یک دولت منتسب نمی‌شود. ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژنو بیان می‌دارد که مقررات این ماده «در تمام مخاصمات مسلحانه‌ای که وصف بین‌المللی ندارند» بر تمامی طرف‌های متخاصم الزامی خواهد بود و اعمال آن در چنین وضعیتی‌هایی به هیچ‌روی به وضعیت حقوقی طرف‌های متخاصم بستگی نداشته و بر آن تأثیری نخواهد داشت. بنا به تصریح ماده ۳ مشترک، رعایت این ماده بر هریک از طرف‌های مخاصمه الزامی است و به بیان دیگر، هرگاه گروه مسلح غیردولتی بتواند طرف یک مخاصمه مسلحانه تلقی شود، همانند دولت متخاصم، مکلف به رعایت این مقرر خواهد بود؛ بنابراین مسئله بعدی این خواهد بود که وقوع و احراز مخاصمه مسلحانه در چه صورتی امکان‌پذیر است (Moshirzadeh, 2005).

شورشیان

در حقوق بین‌الملل طبق قاعده کلی، رفتار شورشیان سازمان‌یافته به دولت منتسب نمی‌شود؛ زیرا آن‌ها ارگان دولت محسوب نمی‌شوند و نیز دولت در موقعیتی نیست که کنترل مؤثری بر فعالیت‌های آن‌ها داشته باشد؛ اما موقعیت‌هایی وجود دارد که رفتار شورشیان می‌تواند به کشور که در قلمرو آن فعالیت می‌کند به کشور دیگر منتسب شود. حالت نخست زمانی است که دولت در مظان اتهام همکاری و یا ترک فعل در برابر اعمال زیان‌بار شورشیان قرار گیرد. حالت دوم، هنگامی است که شورشیان طبق دستورالعمل و یا تحت هدایت و یا کنترل کشور دیگر عمل کنند که در این صورت ارگان بالفعل (de facto) و کارگزار آن کشور محسوب خواهند شد (Mafi & Yazdani, 2015). به بیانی دقیق‌تر می‌توان چنین اظهار داشت که در حقوق بین‌الملل، اعمال اشخاص خصوصی و شورشیان به دولت منتسب نمی‌شود مگر اینکه تحت کنترل دولت عمل کنند و یا اینکه دولت در برابر اعمال زیان‌بار آنان مراقبت مقتضی به عمل نیاورد و مرتکب ترک فعل شود. این یک موضوع مهم و تثبیت‌شده در حقوق بین‌الملل است که یک دولت در قبال اعمالی که از طرف شورشیان صورت می‌گیرد و موجب خساراتی به بیگانگان می‌شود مسئول نیست مشروط بر اینکه دولت کنترل بر اعمال آن‌ها نداشته باشد (Brownlie & Brownlie, 1983).

جنبش‌های رهایی‌بخش ملی

از جمله رخدادهای مهم در دوران بعد از جنگ دوم جهانی، ظهور و بروز گروه‌هایی بود که به نام یک ملت با قدرت‌های استعماری در حال مبارزه بودند؛ گروه‌هایی که قدرت‌های استعماری در پیدایش آن‌ها نقش مهمی را ایفا کرده‌اند؛ بدین معنی که دولت‌های قدرتمند با کاربرد

زور و برای دستیابی به هدف‌های اقتصادی و سیاسی، برخی از سرزمین‌های را تسخیر کردند و در واقع باب استعمار گشوده شد و به این شکل مستعمرات پدید آمدند. مردمی که در سرزمین‌های استثمارشده زندگی می‌کردند، برای رهایی از انقیاد و دستیابی به استقلال، با تشکیل جنبش‌های رهایی‌بخش با دولت‌های متجاوز و استعمارگر به ستیز برخاستند و در نتیجه مبارزات آزادی‌بخش در جهان شکل گرفت. بدین ترتیب مبارزاتی به میدان آمدند که از لحاظ حقوقی با گروه‌های شورشی و نیروهای پارتیزانی که در جنگ‌های داخلی در حال پیکار بودند، دارای تفاوت ماهوی بودند. شایان‌ذکر است که در سال ۱۹۷۷ میلادی، در پی تشکیل یک اجلاس دیپلماتیک برای تجدیدنظر در حقوق بشردوستانه و تعمیم این حقوق، دو پروتکل تصویب شد که در آن نهضت‌های رهایی‌بخش گروه‌های مسلحی نامیده شدند که برای دستیابی به حق تعیین سرنوشت با استعمار مبارزه می‌کنند (Rahimi & Ziraki, 2018). بدین ترتیب حقوق بین‌الملل، جنبش‌های آزادی‌بخش ملی را مورد شناسایی قرارداد. افزون بر این نهضت‌های رهایی‌بخش به‌عنوان گروه‌های بین‌المللی که مشمول حقوق جنگ هستند، شناسایی شدند (Cassese & Sharifi Taraz Kouhi, 1991). منظور از بازیگران غیر دولتی در این مقاله، بازیگرانی هستند که در جهت منافع ملی کشور قدم بر می‌دارند و اصول و مبانی حقوقی سازمان بین‌الملل را رعایت کنند.

جایگاه بازیگران غیردولتی در نظام حقوقی بین‌المللی

شخصیت حقوقی در نظام حقوق بین‌الملل همانند سایر نظام‌های حقوقی یک مسئله نسبی است. به عبارت دیگر شخصیت حقوقی هر موجودیت نسبت به سایر موجودیت‌ها متفاوت و مجزا است؛ هرچند که نقاط مشترکی (کم‌وزیاد) ممکن است در این میان نیز مطرح شود. در حقوق بین‌الملل تنها دولت‌ها دارای شخصیت حقوقی کامل و تام هستند. در مقابل، شخصیت حقوقی بازیگران غیردولتی که بعد از رأی مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ, 1949: 189) برای سازمان ملل و سایر سازمان‌های بین‌المللی دیگر تثبیت شد، یک شخصیت نسبی است و به عواملی همچون هدف ایجاد سازمان، اختیارات تفویض شده توسط اساسنامه و سند مؤسس و... بستگی دارد. همان‌گونه که شخصیت حقوقی سازمان‌های بین‌المللی نیز با شخصیت حقوقی دولت‌ها قابل قیاس نبوده و نیست، سازمان‌های غیردولتی هم در صورت دارا شدن شخصیت حقوقی، شخصیت مجزا و متفاوتی را نسبت به سایر اشخاص حقوقی بین‌المللی کسب می‌کنند؛ به بیان دیگر در صورت قائل شدن به شخصیت حقوقی برای سازمان‌های بین‌غیردولتی، شخصیت آن‌ها نسبت به تابعان فعلی حقوق بین‌الملل از صلاحیت‌های کمتری برخوردار است (Bahalla & Bedjaoui, 1990). بحث شخصیت حقوقی بازیگران غیردولتی سخن تازه‌ای نیست بلکه هم در نوشته‌های حقوقی و هم در تلاش مؤسسات حقوقی، این موضوع مورد توجه فراوان قرار گرفته است. آنچه در این میان مهم است این نکته است که دیدگاه حقوقدانان بین‌الملل نسبت به این موضوع در طول زمان به صورت قابل توجهی متحول شده است. در گذشته نه‌چندان دور بازیگران غیردولتی را در شمار موارد خاص و استثنایی، تابع حقوق بین‌الملل نمی‌دانستند و صحبت از شخصیت حقوقی آن‌ها را کاملاً متنفی تلقی می‌کردند (Bledsoe & Boczek, 1987). در عقیده صاحب‌نظران حقوقی، شخصیت حقوقی بین‌المللی، مفهوم مهمی ارزیابی می‌شد که به هر موجودیتی قابل تسری نبود و در وجود دولت‌ها و با شرایطی در سازمان‌های بین‌المللی میان دولتی منحصر می‌شد.

معیارهای لازم بازیگران غیردولتی جهت کسب شخصیت حقوقی بین‌المللی

در نوشته‌های علمی صاحب‌نظران حقوقی، معیارهایی در خصوص کسب شخصیت حقوقی بین‌المللی ارائه شده است که با تطبیق آن‌ها با وضعیت فعلی بازیگران غیردولتی بین‌المللی می‌توان به فهم مناسبی پیرامون شخصیت حقوقی این کنشگران دست یافت. به بیان دیگر، در اینجا به ارزیابی این مطلب پرداخته می‌شود که آیا بازیگران غیردولتی به مرحله‌ای رسیده‌اند که واجد این ملاک‌ها و معیارها باشند و در نتیجه از

شخصیت حقوقی بین‌المللی لازم بهره‌مند شوند یا خیر؟ در همین رابطه مقوله‌هایی همچون توانایی عملکردی بازیگران غیردولتی، حق طرح دعوی در محاکم بین‌المللی، توانایی توافق با سایر تابعان حقوق بین‌الملل و مورد خطاب قرار گرفتن توسط اسناد و مراجع بین‌المللی مورد اشاره قرار گرفته است.

توانایی عملکردی بازیگران غیردولتی

بر اساس ملاک ارائه شده از سوی دیوان، در صورتی که یک موجودیت بتواند عملکرد موفق و مؤثری را از خود در عرصه‌های بین‌المللی به نمایش بگذارد، دارای یکی از عناصر برخورداری از شخصیت حقوقی است. اندیشمندان حقوقی نیز بر مبنای همین استدلال برای برخی از سازمان‌های غیردولتی مانند «کمیته بین‌المللی صلیب سرخ»^۱ و «اینترپل» شخصیت حقوقی بین‌المللی قائل شده‌اند (Bogdandy, 2010)، درحالی که هیچ‌کدام از این سازمان‌ها دارای اساسنامه‌ای میان دولتی نمی‌باشند. روند نقش یابی سازمان‌های غیردولتی می‌تواند به‌عنوان بهترین شاهد برای نمایش یک عملکرد مناسب این سازمان‌ها مورد استناد قرار گیرد. در نگاهی کلی مهم‌ترین نقش‌هایی که بازیگران غیردولتی به‌صورت عام می‌توانند بر عهده بگیرند عبارت‌اند از: مقام مشورتی، تنظیم و اجرای اسناد بین‌المللی، میانجی‌گری، قدرت بسیج افکار عمومی و همکاری با سازمان‌های بین‌المللی.

حق طرح دعوا در محاکم بین‌المللی

هرچند یافتن امکان طرح دعوا و دفاع در محاکم بین‌المللی از نتایج داشتن شخصیت بین‌المللی است اما نویسندگان حقوقی، برخورداری از توانایی‌های لازم برای حضور شایسته در دیوان‌های بین‌المللی را نیز از عوامل موجد شخصیت حقوقی بین‌المللی ارزیابی می‌کنند (Brownlie & Brownlie, 1983). طرح دعوا در دیوان دادگستری بین‌المللی طبق ماده ۳۴ اساسنامه صرفاً به دولت‌ها سپرده شده است و طبق این ماده، سازمان‌های غیردولتی هیچ‌گاه حق طرح دعوا حتی در راستای دفاع از منافع عمومی را ندارند. به عقیده برخی از نویسندگان حقوقی؛ این ماده نتیجه شرايطی است که در آن حقوق بین‌الملل صرفاً یک حقوق میان دولتی بوده و ایده اینکه افراد و سایر موجودیت‌ها بتوانند شخصیت حقوق بین‌المللی کسب نمایند، تفکری غیرقابل دفاع می‌نمود. به عبارت دیگر در عقیده ایشان این ماده که از سال ۱۹۹۲ میلادی تابه‌حال تغییر نکرده است، خودبه‌خود مشکلاتی را در مورد نیازهای جدید به وجود می‌آورد که می‌بایست در راستای حل آن‌ها قدم برداشت (The British Year Book of International Law 1997, 1998). اگرچه امروزه برخی از نهادها و اسناد منطقه‌ای همانند کمیسیون حقوق بشر و خلق‌ها (اتحادیه آفریقا) و منشور اجتماعی اروپایی (۱۹۶۹)، سازوکارهایی را برای طرح دعوا و ارائه گزارش توسط سازمان‌های غیردولتی ایجاد کرده‌اند (Shaw, 2008) اما این موارد هنوز جوابگوی نیازها نیست.

توانایی ایجاد توافق با سایر تابعان حقوق بین‌الملل

معاهده سازی و قدرت ایجاد توافق با سایر شخصیت‌های حقوقی بین‌المللی از ویژگی‌های یک موجودیت دارای شخصیت حقوق بین‌المللی به حساب می‌آید. حال باید دید که آیا سازمان‌های غیردولتی دارای چنین قدرتی می‌باشند و یا اینکه آیا تابه‌حال توانسته‌اند از چنین ظرفیتی

^۱. اگرچه کمیته بین‌المللی صلیب سرخ از لحاظ نحوه تأسیس و اعضای آن، یک سازمان غیر دولتی به حساب می‌آید ولی به دلیل گسترش فعالیت‌ها، نمایندگی‌ها و طیف متنوع مأموریت‌ها این سازمان در سطح جهان، وضعیتی متفاوت با سایر سازمان‌های غیر دولتی دارد. علاوه بر این، در متن معاهدات (از جمله کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو) و سایر اسناد بین‌المللی صلاحیت‌ها و اختیاراتی برای نظارت و اجرای حقوق بشردوستانه این سازمان غیردولتی داده شده است که برای هیچ سازمان غیر دولتی دیگری وجود ندارد. موقعیت این سازمان به گونه ای است که یک وضعیت خاص در میان سازمان‌های غیر دولتی پیدا کرده است. قرار گرفتن نام این سازمان در فهرست سازمان‌های غیر دولتی شورای اقتصادی اجتماعی نیز مؤید غیر دولتی بودن این سازمان است.

بهره‌مند شوند؟ به نظر می‌رسد هرگاه یک شخصیت مسلم حقوق بین‌الملل با یک موجودیت خصوصی (غیردولتی) موافقت‌نامه یا قراردادی را منعقد کند و به‌جای نظام حقوق داخلی، قراردادشان را تابع حقوق بین‌الملل یا اصول کلی حقوقی نمایند، طرف خصوصی دیگر تابع نظام حقوقی داخلی نمی‌شود بلکه دارای یک شخصیت بین‌المللی است که علیه طرف مقابل (شخص حقوقی بین‌المللی) قابلیت استناد می‌یابد. در این موارد هرچند یک «سیستم حقوق بین‌المللی موقت و ویژه» ایجاد شده اما نمی‌توان شخصیت حقوقی بین‌المللی موجودیت خصوصی را انکار کرد (Bledsoe & Boczek, 1987).

مورد خطاب قرار گرفتن توسط اسناد و مراجع بین‌المللی

مورد خطاب قرار گرفتن یک موجودیت توسط حقوق بین‌الملل، گاهی موجب شخصیت حقوقی آن می‌شود (Shaw, 2008). به عبارت دیگر اگر به یک موجودیت به‌طور مستقیم توسط حقوق بین‌الملل، حقوق و تکالیفی سپرده شود می‌توان چنین باور داشت که آن موجودیت، شخصیت حقوقی بین‌المللی پیدا کرده است. سازمان‌های غیردولتی آن دسته از بازیگران غیردولتی هستند که همواره حقوق و تکالیفی متعدد بر اساس معاهدات با اسناد بین‌المللی بر آن‌ها بار شده است. برخی از این تکالیف عبارت‌اند از واگذاری مسئولیت‌هایی بر عهده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ توسط معاهدات چهارگانه ژنو ۱۹۴۹، سپردن مسئولیت‌های غیردولتی در قطعنامه ۶۸۸ شورای امنیت در مورد حمله عراق به کویت و مسائل حقوق بشردوستانه، قطعنامه مجمع عمومی در مورد کمک‌های بشردوستانه به قربانیان طبیعی و وضعیت‌های اضطراری و قطعنامه ۷۹۴ شورای امنیت در مورد سومالی و مصادیق فراوان دیگر (Bahalla & Bedjaoui, 1990).

نقش بازیگران غیردولتی در قواعد بین‌المللی

به‌منظور بررسی نقش و جایگاه بازیگران غیردولتی در عرصه حقوق بین‌الملل کوشش شده است تا نقش بازیگران غیردولتی در فرایند قاعده گذاری و اجرای قواعد بین‌المللی و همچنین نقش‌آفرینی بازیگران غیردولتی در فرآیندهای تصمیم سازی مورد بررسی قرار گیرد. به‌واقع با توجه به دگردیسی‌هایی که در حوزه حقوق بین‌الملل پدیدار شده است، بازیگران غیردولتی موفق شده آن در فرایند قاعده گذاری تأثیرات قابل‌توجهی را بر جای بگذارند. به‌عنوان مثال امروزه حفاظت از محیط‌زیست به یک دغدغه اصلی در جامعه بین‌المللی مبدل شده است. یکی از بزرگ‌ترین مشخصه‌های حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، حضور بازیگران غیردولتی و نقش‌آفرینی آن‌ها در شکل‌گیری، اجرا و نظارت بر مقررات زیست‌محیطی است. شناسایی شخصیت حقوقی این بازیگران در عرصه بین‌المللی در کنار دیگر تابعان حقوق بین‌الملل به‌عنوان نقطه عطفی در جهت افزایش مشارکت قضایی و غیر قضایی آن‌ها در تصمیم‌گیری‌ها و ایفای نقش تعیین‌کننده در زمینه حفاظت از محیط‌زیست محسوب می‌شود. به بیانی بهتر، امروزه یکی از مهم‌ترین مشخصه‌های حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، ورود بازیگران غیردولتی به عرصه بین‌المللی و مشارکت آن‌ها در کنار دیگر تابعان حقوق بین‌الملل در زمینه حفاظت از محیط‌زیست است. باوجوداین، با بررسی مقررات و دستورالعمل‌های موجود در اتحادیه اروپا موانعی در رابطه با افزایش مشارکت این بازیگران در فرایند ساخت حقوق محیط‌زیست مشاهده می‌شود که یکی از مهم‌ترین دلایل آن را می‌توان فقدان جایگاه حقوقی آن‌ها در اتحادیه دانست. تحولات اخیر در حقوق اتحادیه اروپا موجب شده است تا به مسئله مشارکت نهادهای غیردولتی در مسائل قضایی زیست‌محیطی نیز توجه شود و حق دسترسی به دادگاه‌ها به‌عنوان یک حق بشری مستقل در رابطه با حقوق محیط‌زیست موردتوجه باشد (Ebbesson, 1997).

شایان ذکر است که برای نخستین بار در «کنوانسیون بین‌المللی آرهوس»^۱ حق دسترسی به عدالت زیست‌محیطی و شناخت اهمیت نقش بازیگران غیردولتی در پرتو حقوق بین‌الملل محیط‌زیست مفهوم یافت که بر اساس آن دولت‌ها مکلف شدند تا حق دسترسی به عدالت زیست‌محیطی را برای افراد و دیگر بازیگران غیردولتی تضمین کنند. باید توجه داشت که اتحادیه اروپا به‌عنوان عضو این کنوانسیون مکلف به رعایت مفاد آن است. باین‌حال، همواره در ساختارهای سیاسی و قضایی اتحادیه به نقش بازیگران غیردولتی برای مداخله مستقیم در مسائل زیست‌محیطی و در صورت لزوم مراجعه به محاکم بی‌توجهی شده است. در همین رابطه، موضوع دیگری که وجود دارد، نقش دیوان دادگستری اروپایی و محاکم داخلی در توجه به نقش‌آفرینی بازیگران غیردولتی در عرصه مسائل زیست‌محیطی در پرتو تحولات صورت گرفته در رویه اتحادیه اروپا است. در طی چند سال اخیر گفت‌وگوهای فشرده‌ای بین دیوان دادگستری اتحادیه اروپا و قضات دادگاه‌های داخلی کشورهای عضو در زمینه دسترسی بیشتر بازیگران غیردولتی به مراجع قضایی در مسائل زیست‌محیطی شکل گرفته است. تاکنون دیوان دادگستری اروپا با رسیدگی به بیش از ۱۵۰ پرونده زیست‌محیطی آرای مهمی را صادر کرده که در زمینه شفاف‌سازی قواعد این حوزه و هماهنگی در اعمال و اجرای حقوق زیست‌محیطی اتحادیه اروپا تأثیرگذار بوده است. در همین رابطه می‌توان به پرونده‌هایی همچون خرس‌های قهوه‌ای اسلواکی، ترانل و غیره اشاره کنیم که دیوان در زمان رسیدگی به آن‌ها با استناد به کنوانسیون آرهوس و دستورالعمل‌های اتحادیه اروپا، تأکید می‌کند که دادگاه‌های داخلی دولت‌های عضو موظف به پذیرش دعاوی هریک از بازیگران غیردولتی در مورد نقض یا سرپیچی از مقررات زیست‌محیطی هستند.

در رابطه با نقش‌آفرینی بازیگران غیردولتی در فرآیندهای تصمیم‌سازی نیز می‌توان چنین اظهار داشت که از دهه ۹۰ میلادی شاهد افزایش چشمگیر مشارکت بازیگران غیردولتی در عرصه حاکمیت جهانی هستیم (Charnovitz, 1997). در حال حاضر، تأثیر این بازیگران بر تصمیمات دولت‌ها، توسعه خط‌مشی‌های داخلی، حفاظت از منابع طبیعی و مذاکرات و معاهدات بین‌المللی در این حوزه به‌خوبی نشان‌دهنده درک این اشخاص حقوقی از مشکلات زیست‌محیطی است. تعداد بسیاری از محققان تأثیر بازیگران غیردولتی در تهیه پیش‌نویس قوانین زیست‌محیطی را در مرکز توجه قرار داده‌اند (Corell & Betsill, 2001). در همین رابطه، چیزی که مهم است به رسمیت شناختن فعالیت‌های این بازیگران در عرصه تصمیم‌سازی است (Wapner, 1995). بازیگران غیردولتی در توسعه مقررات حقوق بین‌الملل محیط‌زیست از طریق افزایش آگاهی عمومی در مسائل زیست‌محیطی، تأثیر بر فراینده مذاکرات بین‌المللی، بین طرح‌های پیشنهادی برای شکل‌گیری هنجارهای جدید، اعمال نفوذ بر تصمیمات دولت‌ها و نظارت بر انطباق اقدامات دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی با تعهدات بین‌المللی به‌ویژه در زمینه اجرای مقررات ایفای نقش می‌کنند. نقش آن‌ها در مشروعیت بخشیدن به فرایند ساخت تصمیمات به عوامل متعددی از جمله استقلال، نقش بی‌طرفانه و منصفانه و به‌کارگیری تخصص این بازیگران در تصمیم‌گیری‌ها در سطوح مختلف بستگی دارد (Alizadeh et al., 2018).

نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی نقش بازیگران غیردولتی در توسعه و بازنگری قواعد و مقررات حقوق بین‌الملل انجام شد. تحولات پدیدار شده در عرصه حقوق بین‌الملل مدرن منجر به ظهور بازیگران جدیدی در عرصه جامعه بین‌المللی انجامیده که هریک به‌نوعی در عرصه بین‌المللی ایفای نقش می‌کنند. با این وصف، هرچند دولت‌ها هم‌چنان در قامت تابع اولیه و اصلی حقوق بین‌الملل در عرصه‌های مختلف

¹. The Aarhus Convention on Access to Information, Public Participation in Decision-making and Access to Justice in Environmental Matters was Signed in Aarhus (Denmark) in 1998.

هنجارسازی و تبعیت از قواعد و اصول حقوق بین الملل خودنمایی می کنند؛ اما ظهور کنشگران غیردولتی در عرصه بین المللی نیز منشأ تحولات جدی در سطوح مختلف حقوق بین الملل شده است. این تحولات گاه زمینه ساز تشتت و ابهام در نقش و جایگاه بازیگران و تعیین قلمرو حقوق و تعهداتشان در صحنه بین المللی شده است. بررسی های به عمل آمده نشان از آن دارد که در شرایط کنونی بازیگران غیردولتی همگام با بازیگران دولتی، در قبال نقض های حقوق بشر و امر توسعه، مسئول هستند و کم و بیش بر حقوق بین الملل تأثیرگذار هستند. در چنین شرایطی موجودیت های غیردولتی به اندازه کافی حائز شخصیت بین المللی به منظور بهره مند شدن از حقوق و تعهدات حقوق بین الملل عمومی هستند. به بیانی بهتر می توان چنین اظهار داشت که در طول چند دهه اخیر، بازیگران غیردولتی از نظر تعداد، تنوع و سطح فعالیت توسعه و رشد چشمگیری را تجربه کرده اند. مشارکت در تنظیم پیش نویس اسناد بین المللی، ایفای نقش فعال در اجلاس های بین المللی و بسیج افکار عمومی برای پذیرش معاهدات جهانی، نمونه هایی از فعالیت های کنشگران غیردولتی در کنار دولت ها برای شکل گیری قواعد بین المللی است. بر اساس یافته های پژوهش، بخشی از آن ها خلا های حاکمیتی را پر کرده اند و بسیار پایبند به حقوق بشر هم هستند. ظهور بازیگران غیردولتی مسلحی که دست به عملیات تروریستی مهیب می زنند و نیز دغدغه های حقوق بشری جامعه بین المللی، بخشی از ساختار سنتی حقوق بین الملل، به ویژه قلمرو اصل عدم مداخله و اطلاق اصل ممنوعیت توسل به زور، را رفته رفته متحول نموده و شکل های تازه ای از حمله مسلحانه و متقابلاً دفاع مشروع را مطرح کرده است. طیف این تحولات از تجویز مداخله بشردوستانه سنتی آغاز شده و به مسئولیت حمایت و سپس به حمایت مسئولانه رسیده است. در دوگانگی میان رکن قضایی و رکن سیاسی ملل متحد نیز برجسته شدن دکترین دفاع پیش دستانه، دفاع پیشگیرانه و دفاع پیش نگرانه، کفه ترازو را به سمت تفسیری موسع از ماده ۵۱ منشور متمایل می کند. در کنار همه کشمکش های نظری و عملی درباره اینکه آیا دفاع مشروع فقط در برابر دولت مجاز و مشروع است یا در مقابل اقدامات تروریستی تهدید صلح و امنیت از جانب بازیگران غیردولتی نظیر داعش هم مجاز است، که این عامل به نوبه خود حقوق بین الملل را وارد فازهای جدیدی کرده است. برای مثال در کشورهایی مانند یمن، سوریه، لبنان، فلسطین و غیره بازیگران غیر دولتی وجود دارند که کار دولت را انجام می دهند ولی دولت نیستند. افزون بر محافظه کاری دیوان بین المللی دادگستری در تفسیر مضیق از مفهوم دفاع مشروع، به نظر می رسد که حقوق بین الملل واقعیت تلخ و تکان دهنده و مخاطرات پدیده بازیگران غیردولتی تروریستی را به خوبی دریافته است و آرام آرام سعی می کند که با تفسیری تازه از مفاهیم و بنیادهای اصلی حقوق بین الملل، مانند مفهوم دفاع مشروع و تجویز آن در مقابل حملات و اقدامات تروریستی و پیوند آن با مسئولیت حمایت و حمایت مسئولانه، به نیازهای زمانه ما برای صلح و امنیت پاسخ دهد.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ گونه تضاد منافی وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

EXTENDED SUMMARY

The evolution of international law over the past century has been marked by the emergence of non-state actors as influential players in global governance. Although states remain the primary subjects

of international law, the role of non-state actors in shaping, implementing, and revising international norms has grown increasingly significant. The emergence of globalization has facilitated a shift from the traditional Westphalian model of state-centric governance to a more pluralistic system where a variety of actors, including non-governmental organizations, multinational corporations, insurgent groups, and liberation movements, participate in international legal processes (Zamani, 2015). The phenomenon of global governance is characterized by an expansion of decision-making methods and institutional structures across technical and administrative fields, the development of mechanisms for enforcing international regulations, and the increasing prominence of non-state actors (Nowrot, 2004). Historically, various international conventions have recognized the activities of non-state actors, such as the 1988 Convention Against Illicit Traffic in Narcotic Drugs and Psychotropic Substances, which acknowledged the involvement of private actors like manufacturers and retailers (Bogdandy, 2010). Non-state actors have thus played diverse roles, from participating in piracy in early international relations to being recognized by leaders such as former UN Secretary-General Ban Ki-moon as essential participants in the modern international system (Júnior et al., 2008).

Understanding the nature and classification of non-state actors is critical to analyzing their role in international law. Broadly defined as any entity that is not a state, non-state actors encompass a wide range of organizations, from humanitarian NGOs to violent groups seeking weapons of mass destruction (Charnovitz, 1997). Their influence spans national policy decisions, international treaty negotiations, and global environmental protection initiatives (Corell & Betsill, 2001). What distinguishes non-state actors from states is the absence of sovereignty and centralized governmental authority, characteristics emphasized by legal precedents such as the International Criminal Tribunal for the former Yugoslavia's interpretation of the Montevideo Convention criteria (Zamani, 2015). While some non-state actors like NGOs have permanent and institutionalized existence, others, such as insurgent groups, emerge in response to transient conditions like civil conflicts (Zamani & Ziaee, 2011). The proliferation of NGOs from just 37 in 1900 to over 43,958 by 2004, and the exponential growth of multinational corporations and transnational organizations, underscores the increasing presence of non-state actors in global affairs (Bonlle, 2009). The post-9/11 world, with widespread arrests of Al-Qaeda operatives across dozens of countries (Júnior et al., 2008), further highlights the vital, though often contentious, role these actors play in shaping international legal and political landscapes.

The legal recognition of non-state actors within the international system has evolved from initial skepticism to partial acknowledgment of their functional capacities. Although states maintain full international legal personality, international organizations and non-state actors have gradually gained limited forms of legal recognition (Bahalla & Bedjaoui, 1990). The 1949 advisory opinion of the International Court of Justice (ICJ) regarding the United Nations affirmed that entities other than states could possess international legal personality, albeit in a relative and circumscribed manner (Bledsoe & Boczek, 1987). Certain criteria are employed to determine whether a non-state actor can be deemed to possess international legal personality: the ability to function effectively on the international stage, the capacity to enter into agreements governed by international law, access to international adjudicative forums, and being directly addressed by international legal instruments (Brownlie & Brownlie, 1983). NGOs like the International Committee of the Red Cross (ICRC) and INTERPOL, despite lacking intergovernmental foundational charters, have been recognized as possessing international legal personality by virtue of their performance and influence (Bogdandy, 2010). This recognition remains situational and contingent, highlighting the relativity of international legal personality outside the domain of sovereign states.

The growing participation of non-state actors in international law is particularly evident in areas such as environmental protection, where their influence on norm creation, compliance monitoring, and public mobilization has been pronounced. Non-state actors have significantly contributed to the development and implementation of international environmental law through advocacy, lobbying, and litigation (Charnovitz, 1997). The Aarhus Convention stands as a landmark in recognizing the rights of non-state actors to access environmental justice and participate in decision-making processes (Ebbesson, 1997). Although the European Union, as a party to the Aarhus Convention, is obligated to ensure these rights, practical obstacles persist in fully integrating non-state actors into judicial proceedings. Dialogues between the European Court of Justice and national courts have increasingly emphasized the necessity of allowing NGO participation in environmental litigation, culminating in a corpus of jurisprudence that promotes greater accountability and transparency. Nonetheless, significant structural barriers remain within European institutions, limiting the full realization of non-state actor participation in judicial oversight and policy formation regarding environmental issues.

The impact of non-state actors extends beyond environmental governance into broader international policymaking and norm-setting processes. From the 1990s onward, non-state actors have become prominent in drafting international agreements, lobbying for human rights protections, and influencing domestic and international public policy (Corell & Betsill, 2001). Their contributions to treaty negotiations and norm development, particularly in areas like humanitarian law, arms control, and corporate social responsibility, have been recognized in academic and policy-making circles (Wapner, 1995). Non-state actors' ability to mobilize public opinion, advocate for marginalized groups, and exert pressure on states to comply with international norms renders them indispensable partners in the evolving architecture of global governance (Alizadeh et al., 2018). Moreover, by contributing expertise, fostering transparency, and advocating for accountability, non-state actors play a crucial role in legitimizing international decision-making processes. Their involvement helps to address the democratic deficits that often plague intergovernmental organizations, thus enhancing the credibility and effectiveness of international law in addressing complex global challenges.

In conclusion, the increasing presence and influence of non-state actors within international law reflect broader transformations in the structure of global governance. While states continue to dominate the formal legal landscape, non-state actors have emerged as critical participants in norm creation, compliance monitoring, and advocacy. Their roles are diverse, ranging from providing humanitarian assistance to engaging in violent conflict, and their legal status varies depending on their functions and the international legal instruments addressing them. The evolving recognition of non-state actors' capacities underscores the need for international law to adapt to contemporary realities characterized by complex interdependence and the diffusion of power across a wide array of actors. Although significant obstacles remain—particularly regarding the formal recognition of non-state actors' legal personalities and the full integration of their contributions into international legal processes—their growing influence is undeniable. As the international community continues to grapple with issues such as environmental degradation, human rights abuses, and global security threats, the contributions of non-state actors will remain indispensable in shaping a more inclusive, responsive, and effective system of international law.

References

- Alizadeh, M., Zarneshan, S., & Dolatabadi, Z. (2018). Participation of Non-Governmental Organizations in the Creation and Implementation of European Union Environmental Law. *Faslnameh-ye Pazhouhesh-e Hoghugh-e Omoomi (Journal of Public Law Research)*, 20(60).
- Bahalla, S. L., & Bedjaoui, M. (1990). *Fundamentals of International Law International Law: Achievements and Prospects*. India, Docta Shelf Paris & Netherland, UNESCO & Nijhoff[Martin Nijhoff Publisher].
- Bledsoe, R. L., & Boczek, B. A. (1987). *The International Law dictionary*. London, ABC-Clio.
- Bogdandy, A. V. (2010). *The Exercise of Public Authority by International Institution Advocating International Institutional law*. Germany, springer.
- Bonlle, L. (2009). *The law of GlobalizationPB - Netherland, Kluwar law International*.
- The British Year Book of International Law* 1997. (1998). United States, Oxford.
- Brownlie, I., & Brownlie, I. (1983). *System of Law of Nations, System Responsibility(Part1) Principles of Public International Law*. New York.
- Cassese, A., & Sharifi Taraz Kouhi, H. (1991). *International Law*. Tehran: Entesharat-e Mizan.
- Charnovitz, S. (1997). Two Centuries of Participation: NGOs and International Governance. *Michigan Journal of International Law*, 18(2).
- Corell, E., & Betsill, M. M. (2001). A Comparative Look at NGO Influence in International Environmental Negotiations: Desertification and Climate Change. *Global Environmental Politics*, 1(4). <https://doi.org/10.1162/152638001317146381>
- Ebbesson, J. (1997). The Notion of Public Participation in International Environmental Law. *Yearbook of International Environmental Law*, 8(1). <https://doi.org/10.1093/yiel/8.1.51>
- Júnior, C. C., Kadhodaie, A., & Saed Vakil, A. (2008). *International Law in the 21st Century*. Tehran: Nashr-e Mizan.
- Mafi, H., & Yazdani, S. (2015). Criteria for Attributing the Actions of Rebels to the Government in International Law. *Pazhouheshnameh-ye Hoghugh-e Tatbighi (Journal of Comparative Law)*, 1(1).
- Moshirzadeh, H. (2005). *Evolution in International Relations Theories*. Tehran: Entesharat-e Samt.
- Nowrot, k. (2004). *Global Governance of International Law*.
- Rahimi, A., & Ziraki, M. R. (2018). *National Liberation Movements Since 9/11*. Tehran: Entesharat-e Daneshgah-e Jame'e Imam Hossein (AS).
- Shaw, M. N. (2008). *International Law* (Vol. 1). UK: Cambridge.
- Wapner, P. (1995). Politics Beyond the State: Environmental Activism and World Civic Politics. *World Politics*, 47. <https://doi.org/10.1017/S0043887100016415>
- Zamani, S. G. (2015). *Hoghugh-e Sazman-haye Bain-al-Milali, Shakhshiyat, Mas'ouliyat va Masoumiyat (The Law of International Organizations, Personality, Responsibility and Immunity)*. Tehran: Mo'assese-ye Motale'at va Pazhouhesh-haye Hoghughi-ye Shahr-e Danesh.
- Zamani, S. G., & Ziaee, S. Y. (2011). Extending the System of International Responsibility to Non-State Actors with Emphasis on Separatists. *Majaleh-ye Hoghughi Bain-al-Milali (International Legal Journal)*, *Journal of the Center for International Legal Affairs of the Presidential Office*, 28(45).